ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
زندگی سلام
•پنج شنبه•۸ آذر ۱۳۹۷•شماره ۱۱۹۶

حدیث روز

امام حسین(ع): با گذشت ترین مردم، کسی است که در زمان قدرت داشتن گذشت کند.
الدرّة الباهرة

ذکر روز پنج شنبه
صد مرتبه «لا اله الا... الملک الحق المبین»
ذکر روز جمعه
صد مرتبه «اللهم صل علی محمد و آل محمد»

در محضر بزرگان

مراقب اعمال خود باشیم

استاد فاطمی نیا می گویند:
خداوند می فرماید: «ان ربک لبالمرصاد» حقا که پروردگار تو در کمینگاه ستمکاران است. مرصاد فقط برای فرعون و امثال او نیست. بلکه هر کس دارای مرصاد است. حتی نماز شب خوان هم دارای مرصاد است! صاحب دلی فرمود: «ان ربک لبالمرصاد» از کنار تخت فرعون شروع می شود تا کنار سجاده آدم می آید. یعنی گوشمالی و تادیب یا عقاب خداوند دارای مراتب است؛ برای هر کس به تناسب خودش؛ مثلا نماز شب خوان اگر عُجب پیدا کند، برای نماز شب بیدار نمی شود یا آن حال را از او می گیرند.
کانال رسمی آیت ا... فاطمی نیا

حکایت

منت بقال

بقالی از درویشی مبلغی طلب داشت و هر روز به او یادآوری می کرد. روزی در حضور مردم بقال با صدای بلند پول را طلب کرد. درویش از مردی حکیم که در جمع حاضر بود، کمک خواست. حکیم پاسخ داد: «تو باید شکم خود را به خوراک وعده می دادی تا امروز بدهکار چنین کسی نباشی، زیرا گفته اند: نفس را به طعام وعده دادن، آسان تر است که بقال را به درم.»
به تمنای گوشت مُردن به
که تقاضای زشت قصابان
برگرفته از گلستان سعدی

قرار مدار

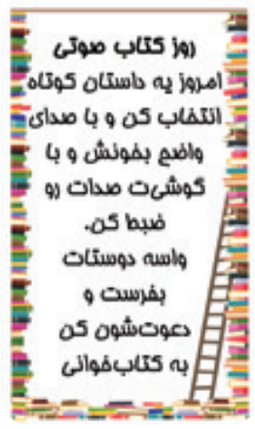

اندکی صبر

گذشت

هادی خسروی پور

ما گذشتیم و گذشت
آن چه تو با ما کردی
مطمئن باش و برو
ضربه‌ات کاری بود
دل من سخت شکست
و چه زشت
به من و سادگی‌ام خندیدی
به من و عشقی پاک
که پر از یاد تو بود

دنیا به روایت تصویر

ای پی ای | گریم دانش آموزان هندی در کارزار حرکت برای هندوستان پاک

فرانس پرس | کتابخانه‌ای تاریخی، برزیل

رویترز | جشنواره قایق های بلند، کامبوج

فتوشعر انتظار

با خانمان

مهمانی نرو ترین ها

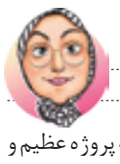

زهرا فرنیا | طنزپرداز

مهمونی رفتن توی خونه ما به جای این که یه تفریح باشه، یه پروژه عظیم و فرسایشیه. از لحظه‌ای که میزبان زنگ می‌زنه که دعوتمون کنه تا لحظه‌ای که به سلامت به مقصد برسیم، همه چندین سال پیر می‌شیم.
حالت اول: تماس گرفته می‌شه و مامان می گه: «خاله منیرم اینا برای پنج شنبه شب ما رو دعوت کردن خونه‌شون» بابا: «من اصلا از خاله‌ت خوشم نمیاد» عملیات مهمونی در همین مرحله با شکست مواجه می‌شه.
حالت دوم: تماس گرفته می‌شه و مامان پشت تلفن می گه: «وااای ما که خیلی دوست داریم بیایم ولی حقیقتش یه خرده بچه‌ها مریضن. ایشالا یه فرصت دیگه» و ناگفته واضحه خاله نرگس بابا پشت تلفن بوده و مامان به‌عنوان عمل متقابل و این که عدالت بین خاله‌ها برقرار بشه، این مهمونی رو کنسل کرده.
حالت سوم: دایی فرخ اینا زنگ می‌زنن و برای جمعه شب شام دعوت می کنن. اول این که مطمئن نیستیم بالاخره شب جمعه‌ست یا جمعه شبه؟ بعد از سه بار زنگ زدن و مطمئن شدن که جمعه شبه، بحث تمام نشدنی ای در می گیره که جمعه شب یعنی جمعه شده شبش باشه یا شبه، قراره جمعه بشه؟ چون به هیچ نتیجه‌ای نمی‌رسیم، دور بودن خونه دایی فرخ اینا رو بهونه می کنیم و نمی‌ریم.

حالت چهارم: دختر دایی طیبه مامان چون ما رو خیلی دوست داره، زنگ می‌زنه و دعوتمون می کنه. چرا ما رو دوست داره؟ چون به نظر خودش یه پسر دسته گل داره که می‌تونه بین من و خواهرم، یکی‌مون رو انتخاب کنه. چه جوری؟ این جوری که بعد از شام همه ظرفا رو می‌ده ما بشوریم و به هر کی که بهتر و سریع‌تر بشوره یه چشمک می‌زنه می گه: «عروس خودمی.» فعلا که جفت‌مون مجردیم و دیگه پامون رو توی اون خونه نمی‌ذاریم. این مهمونی هم نرفتنی می‌شه.
حالت پنجم: عمه فرحناز بابا زنگ می‌زنه. هم مهمونی به جای جمعه شب، شب جمعه‌ست، هم خونه‌شون نزدیکه، هم تابستونه و خبری از سرماخوردگی و درس نیست. هم مشکل چی بپوشم حل شده. اما بازم نمی‌ریم. چرا؟ چون عمه فرحناز دست پختش خوب نیست. ما این همه راه نمی‌ریم مهمونی که شما دست‌پخت‌تون بد باشه. ولی واقعا برامون سواله چرا هیچ کس خونه ما مهمونی نمیاد. راستشو بگین. مشکل‌تون با ما چیه؟ به خونواده ما حسودی‌تون می‌شه؟

تاپخند

- ولی خالق باب اسفنجی همون روزی مُرد که سوشا اون شلوار زرده رو پاش کرد!
- شما یادتون نمیاد کل سال منتظر روز جهانی کودک و تلویزیون بودیم که یه صبح تا شب فقط کارتون ببینیم. حالا کانال مخصوص کودک و نوجوان راه انداختن!
- می خواستم برم بازار خرید کنم، سوار مترو شدم، وسط های راه خریدم تموم شد برگشتم!
- قبلا جلوی ویترین نمایشگاه های خودرو وایمیستادیم و حسرت می خوردیم... الان جلوی ویترین کفش فروشی و لباس فروشی ها!
- دنیا پُر از آدم هاییه که تا ده دقیقه دیگه اینجان ولی یک ساعته هنوز نرسیدن!
- هر جوان ایرانی حداقل یک بار با خودش فکر کرده که چرا این نون ساندویچی ها که سر صبح می ذارن جلوی ساندویچی ها رو کسی نمی‌دزده!
- دیدم نونوایی خلوته، انتقام تمام روزهایی که صفش شلوغ بود رو گرفتم. ۱۵ تا سنگک از سنگکی گرفتم ۱۰ تا هم تافتون از روبه رویش. شاطره گفت داداش خبریه؟ قراره قحطی بیاد به سلامتی؟!

دور دنیا

تشخیص اشتباه سرطان

آدیتی سنترال- جیمز سالاز مرد آمریکایی، از پنج سال پیش که پزشکان تشخیص دادند به نوعی سرطان نادر مبتلاست، همه زندگی اش را وقف درمان و شیمی درمانی های پی در پی کرد اما با وجود تایید بسیاری از پزشکان، بعد از پنج سال مشخص شده که تشخیص همه اشتباه بوده و همه آن درمان های گران و آسیب زا بی مورد بوده است. این مرد هیچ گاه مبتلا به سرطان نبوده و فقط یک غده چربی کوچک در زیر بغل داشته که حالا کاملا محو شده است!

ماسک های فراواقعی

دیجیاتو- یک شرکت کوچک ژاپنی که صورت مصنوعی با ظاهر بسیار واقعی تولید می کند، در صنعت فناوری به محبوبیت زیادی دست پیدا کرده است. تحقیقات این شرکت به حدی پیشرفت کرده است که در ماسک های تولیدی کوچک ترین جزئیات صورت فرد تا حد رگ های خونی چشم و چین و چروک ها را هم بازسازی می کند. این صورتک ها کاربردهای زیادی دارد شامل آموزش به نرم افزارها درباره ویژگی های انسان، الگوریتم های تشخیص چهره، سنسورهای امنیتی و.... مثلا یک شرکت خودروسازی ماسک های در حال خوابی سفارش داده است تا از آن برای آموزش شناسایی راننده در حال چرت زدن به سیستمش استفاده کند. (چند روز پیش عکس طراح این ماسک ها را در ستون «دنیا به روایت تصویر» منتشر کردیم)

مارپیچ (سختی ۶۰٪)

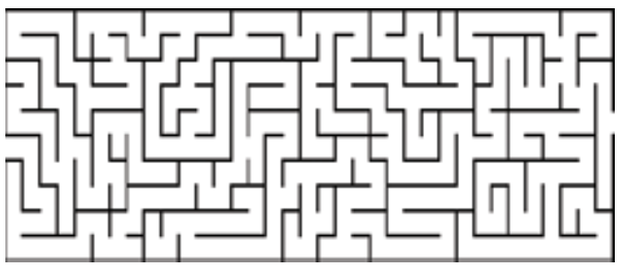

تفأل

جز این قدر نتوان گفت در جمال تو عیب
که وضع مهر و وفا نیست روی زیبا را
در آسمان نه عجب گر به گفته حافظ
سرود زهره به رقص آورد مسیحا را

کله چغوکی

آق کمال حال خوب می کند

آق کمال | همه کاره و هیچ کاره

یادتانه او هفته گفتُم عیال هوس خرید کرده بود؟ بعد ور خاستم هِلک و تِلک رفتم بازار، ولی به جای ای که خرید کنم، از وضعیت گیرونی و کسادی بازار و بیکاری کاسبا افسردگی گرفتم و دست از پا درازتر برگشتم خانه. عیال که دید حال مو خرابه گفت: «حالا عیب نداره، دو روز دیگه جمعه سیاهه، اونجا جبران می کنیم!» نمدنُم با خودش چی فکر کرده بود؟ خیال مکرد مو از ای که نتِنسته خرید کنه ناراحتُم! در حالی که مو دلُم بری مردم و خودُم موسوخت. خشکی بالا نیاوردُم و خیلی طبیعی گفتُم: «خدا خیرت بده، مگه جمعه سیاه بتنه ای حال خراب مو ره سر جاش بیره! حالا کی هست؟ مُغازه آرزون فروشی دره؟ تا ناکورا نبشه که مو اهلش نیستُم ها! یا از اینایه که خودش از او بر مرز جنس قاچاق میاره و نصف قیمت مِده ولی گارانتی و جعبه نِدره و اسمش جمعه‌یه و چون رنگ پوستش سبزه‌یه بهش مگن جمعه سیاه؟!» عیال همی جور مات بهم نگاه کرد و گفت: «یعنی واقعا نمی دونی بلک فرایدی چیه یا داری ادا درمیاری؟» ای دفعه واقعا داشتُم ادا درنمی آوردُم و نمدنستُم منظورش چیه. گفتُم: «به جان تو... نه، به جان خودُم ای جمعه سیاهه ره نمشناسُم! پس خارجی سیاه‌پوسته که بهش مِگن بلک؟» خندید و گفت: «خجالت بکش! جمعه سیاه همون روزیه که همه جای دنیا فروشگاه‌ها حراج می‌ذارن و تخفیف آن چنانی میدن و مردم برای خرید از سر و کول هم بالا میرن. بذار برسه، حسابی از خجالتش درمیایم!» انا حالا خوب رفت!
دو روز بعد جمعه بود و عیال از ساعت ۱۲ شب جمعه گوشی و لپ‌تاپ به دست نشسته بود هی دکمه فشار مِداد و هی غر مِزد. گویا سایت هایی که مخواست خرید کنه اصلا بالا نمی آمدن، چه برسه که بشه خرید تخفیفی کرد. خلاصه جمعه ظهر با اعصاب داغون گفت: «این که نشد... اصلا نخواستم! پاشو تا هوا تاریک نشده بریم کوهسنگی تو برگ ها راه بریم، یک کم عکس بگیرم بلکه حالم بیاد سر جاش!» یعنی خدا موره خیلی دوست دشته که همچی فرشته‌ای سر راهُم گذاشته که به جای خرید کردن، حالش با عکس گیریفتن با چهار تا برگ زرد هم خوب مِره! گفتُم: «نوکرتایُم هستُم! اصلا مخوای به مسود و عیالش هم خبر بدُم ناهار مانه وردارِم برِم تو پارک بخورِم؟» یَک نگاهی کرد و گفت: «تو این هوای سرد؟ لازم نکرده... این قدر شوری نخور، فشار خونت میره بالا!» یعنی هم تا ازش تعریف مکنُم، مزنه تو ذوقُم! خداره شکر ای دفعه هم به خیر گذشت. ایم از ای.

مسابقه این کیه

پروفسورها جواب بدن!

سلام. این هفته یه چهره ورزشی داریم که مدتیه در صدر خبرها قرار داره. بیشتر از این ازش تعریف نمی کنیم تا متهم به جانبداری نشیم! شما باید تشخیص بدین این کاریکاتور به هم ریخته کیه و اسمش رو با نام خودتون، به همراه کلمه «این کیه» تا شنبه شب برای ما به شماره ۲۰۰۰۹۹۹ پیامک کنید. جواب رو دوشنبه همین جا خواهید دید و کاریکاتور برنده رو پنج شنبه هفته بعد چاپ می کنیم. عکس و کاریکاتوری رو هم که می بینید، همسر خانم سیما کرمی برنده مسابقه قبلی هستن که دوباره بهشون تبریک میگیم.

تصویر سازی ها: سعید مرادی

ماوشما

راه ارتباطی با ما: پیامک ۲۰۰۰۹۹۹ و تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶

*محیا جان ۸ آذر روز شکفتنت را تبریک میگم. **خاله الهام**
* چرا مسابقه «چی میگه» را برگزار نکردید؟!
ماوشما: به دلیل چند روز تعطیلی برنامه های صفحه کمی شلوغ شده بود، هفته دیگه به امید خدا مسابقه خواهیم داشت.
*پدرم ماه بود، بی نظیر بود، حرف نداشت، دوست و فامیل عاشقش بودند، مهربان و دوست داشتنی بود، ولی حیف زود رفت. برای ما بابا همیشه بابا است! **معصومه صیامی**
* آق کمال؛ اگه یه روزی طناب مفتی رو یافتم با اون چیکار کنم؟!
آق کمال: باهاش جلزقه ببافن!
*فهمیه جان، همسر عزیزم دوستت دارم. همیشه کنارم بمون. **محمود**

پرونده های مجهول

پنج شنبه‌ها

چاهی که توسط فضایی ها ساخته شده است!

میترا تاتاری | مترجم

در مناطق وحشی ایالت واشنگتن، چاهی وجود دارد که به چاه شیطان معروف است. هر چند این پدیده جغرافیایی عجیب سال ها و حتی قرن ها در این منطقه است اما از سال ۱۹۹۷ خبرنگار روزنامه محلی با انتشار گزارشی عجیب از این چاه، آن را به مردم دنیا شناساند. این چاه در داخل ملکی قدیمی قرار دارد و با نزدیک شدن به آن ترس و دلهره عجیبی مردم را فرا می گیرد. حیوانات هم به هیچ وجه نزدیک آن نمی شوند. ساکنان این منطقه و صاحب آن در سال ۱۹۹۷ ادعا کردند که این چاه عجیب در منطقه «ماناستاش ریج» انتها ندارد و آن ها سال هاست که همه وسیله های دست دوم و کهنه خود از قبیل یخچال و تلویزیون و حتی لاشه حیوانات را به درون آن می اندازند اما هیچ صدایی از برخورد آن لوازم با کف زمین نشنیده اند.

«میل واترز» مالک این چاه که برایش سوال به وجود آمده بود که چرا چاه پر نمی شود، در تابستان سال ۱۹۹۶ تصمیم گرفت تا عمق چاه را اندازه بگیرد. او که یک ماهی گیر کار کشته بود، یک قلاب ماهی گیری با نخ بسیار بلند داشت. یک روز به دهانه چاه رفت، یک وزنه به سر قلاب آویخت و آن را به داخل چاه هدایت کرد. وقتی نخ هر قرقره تمام می شد، قرقره جدیدی به انتهای آن گره می زد و به کار خود ادامه می داد، اما قرقره ها تمام شد و نخ قلاب به انتهای چاه نرسید. او که هجده قرقره را به هم وصل کرده بود، نتیجه گرفت عمق چاه بیشتر از ۲۴ کیلومتر است! در آن جا بود که او متوجه شد با پدیده ای عجیب و اسرارآمیز روبه رو است.
ساکنان منطقه اعتقاد داشتند که این چاه را فرازمینی ها ایجاد کرده اند و راه ارتباطی آن ها با زمین است. مصاحبه و گزارش واترز مثل بمب در تمام آمریکا صدا کرد و به سرعت گروهی از سربازان ارتش آمریکا برای بررسی منطقه به ملک او آمدند. کمی بعد این منطقه عجیب در دست ارتش آمریکا قرار گرفت و حتی صاحبش هم حق ورود به آن را نداشت. روز ۲۸ ژوئن سال ۲۰۱۱ نامه ای از واترز به صورت آن لاین منتشر شد که تاکید می کرد تمام حرف هایش درباره چاه شیطان و اتفاقات آن عین حقیقت بوده است، ولی دولت آمریکا دوست نداشت حرفی از آن زده شود. این داستان هنوز هم به صورت رازی سر به مهر باقی مانده است.

منبع: mysteriousuniverse.org